

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من می‌باد
بین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری

کنار پنجره

ساعت‌ها کنار پنجره نشسته ام

و به افق دور نظر می‌کنم

ساعت‌های طولانی،

افق دور و طولانی

هرگاه کسی مرا ببیند

گمان می‌کند چیزی را گم کرده ام و گمشده‌ای را می‌پالم

این راست است،

بلی من چیزی را می‌پالم

من امید گمشده ام را می‌پالم

امیدی که سالهاست از من فرار کرده

امیدی که دیگر باز نخواهد گشت

آن‌رفها پرنده‌گانی کوچک خوش‌رنگ

از شاخی به شاخی می‌پرند و نغمه می‌خوانند

آنها امید دارند،

آنها امیدوارند

امید اینکه چوچه بار می‌آورند و آنها را می‌پرورانند

مادری طفلش را با کوله پشتی پر از کتاب جانب مکتب می‌کشاند

هردو امیدوارند، هم مادر و هم طفل

اما من به چه چیز باید امیدوار باشم؟
من امیدم را گم کرده ام
امیدم را از دست داده ام
دیگر آن به سراغم نمی آید

و این سخت ترین حالت روحی ست برای یک انسان
انسان ناامید،
انسان بدون آینده،
انسان مهاجر و انسان نافرجام

باز هم کنار پنجه و ساعات طولانی پایان ناپذیر !!!

(المان - ۳۱ جنوری ۲۰۱۲)